



پل اُستر / ترجمه ی بابک تبرایی

اختراع انزوا





رمان

سرشناسه:	لورستر، پل، ۱۹۳۷ م. - Auster, Paul.
عنوان و نام پدیدآور:	اختراع انزوا / پل استر؛ ترجمه‌ی بابک تیرایی
مشخصات نشر:	تهران: الف، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری:	۲۵۶ ص
لرورست:	ادبیات امروز. رمان؛ ۴۲
شابک:	978-964-369-440-1
پادداشت:	لیا
پادداشت:	عنوان اصلی: The invention of solitude, 2007
موضوع:	نویسنده‌گان آمریکایی - قرن ۲۰ م. - سرگشتگی.
شناسه الورد:	تیرایی، بابک، ۱۳۶۰. - مترجم
زمیندی کشور:	۱۳۸۷ ۳ الف و / PS 3002
زمیندی دیو:	۸۱۴ / ۵۲
شماره کتابخانه ملی:	۱۰۸۸۳۳۲



اختراع انزوا

پل استر ♦ ترجمه‌ی بابک تیرایی

ویراستار: لیلا نبی‌فر

زیر نظر شورای ادبی

شابک: ۱ - ۴۴۰ - ۳۶۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

چاپ اول: ۱۳۸۷

لیتوگرافی: سبب

چاپ: طیف‌نگار، تهران

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق محفوظ است.

تهران، ص.پ. ۱۱۳۵ - ۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۶۴۱۳۳۶۷

www.ofoqco.com ♦ E-mail: info@foco.com

۴۵۰۰ تومان



پیش گفتار

www.ketab.ir

اولین مواجهه‌ی من با پل استر خیلی اتفاقی بود: سال ۱۳۷۹ تصادفاً کتابی را در کنج کتابخانه‌ای پیدا کردم، شامل دو فیلمنامه‌ی "دود" و "جان به لب"، یک داستان کوتاه به نام "داستان کریسمس اوگی رن"، و مصاحبه‌ای با نویسنده. خواندن‌شان مطلقاً شگفت‌زده‌ام کرد. بعد، تا مدت‌ها هر چه گشتم و پرسیدم، نه فیلم‌ها را پیدا کردم و نه نشانی از دیگر آثار نویسنده را. تا این‌که استر در ایران مشهور شد....

۵۸

آخرین مواجهه‌ی من با پل استر خیلی اتفاقی بود: سال ۱۳۸۴، ساعت سه و نیم صبح یک روز زمستانی، احسان نوروزی، دوستی خوب و مترجمی توانا، پیام کوتاه داد که: «بیداری؟» و من جواب دادم: «نه!» با همان ابزار ارتباطی از اختراع انزوا برایم گفت، و این‌که اگر می‌خواهمش دو شرط دارد: یکی این‌که همان لحظه بروم و کتاب را از او بگیرم و دوم این‌که ترجمه‌اش را تقدیم کنم به او!

۵۹

سوای مؤلفه‌هایی نظیر شانس (با باری نه منفی و نه مثبت، که هم چون

عنصری شگفت‌انگیز، شبکه‌ساز، درجا می‌خکوب‌کننده و توأمان پیش‌برنده، با پرسشی از متافیزیک)، یأس (فرورفتن در دلش، تا به آن حد که یأس به تسلی بدل شود)، تداخل جهان‌های ذهنی و عینی در هم (نه سوررئال، که بیش‌تر انتزاعی؛ نه سمبولیک، که بیش‌تر پایبند واقعیت)، شهر (عمدتاً نیویورک: کلان‌شهرِ کلان‌شهرها؛ که بیش از پس‌زمینه‌ای صرف، کاراکتری عظیم است) و چندین مورد دیگر، "زبان" هم از ویژگی‌های خاص آثار داستانی استر است. نمی‌پذیرم که مترجمان استر در ایران صرفاً نقل روایت کرده و به خود زبان بی‌اعتنا بوده‌اند، ولی حتماً قبول دارم که ترجمه در بهترین حالتش هم خیانت به اثر اصلی، و ولو سودمند، اما به ذات غیراخلاقی است. در هر حال به گمانم یکی از دلایل اقبال نسبی ترجمه‌های استر در ایران، همان زبان همدلی‌برانگیز، صمیمانه و در عین ادبیت، خودمانی بودن نویسنده است که تا حدی هم به فارسی برگردانده شده. شاید دلیل اصلی این ویژگی‌ها، به جز تبحر غیرقابل انکار آقای نویسنده، وام‌گیری شدید او از تجربه‌های زندگی شخصی‌اش (باز هم در هر دو جهان ذهنی و عینی) باشد. رد پای بسیاری از حوادث و کاراکترهای رمان‌های استر را می‌توان در دو خودزندگی‌نامه‌ی او، اختراع انزو او دست به دهان به راحتی پیدا کرد. بعد از خواندن این کتاب، حتماً با من هم عقیده خواهید شد.



این کتاب نه رمان است و نه مقاله؛ چیزی ست بینابین، با زبانی بینابین. نکته‌ی چشمگیرش در نگاهی کلی، استفاده‌ی بدیع استر از تکنیک‌های داستانی برای روایت و تفسیر حوادث واقعی و شخصی‌ست. در این جا، جهان ذهنی نویسنده به واسطه‌ی استعاره‌ها، بیان‌های ضربتی و مستقیم،

خاطرات، نقل قول‌ها، مشابَهت‌سازی‌های داستانی و... در دو پاره‌ی مرتبط با هم، اما با فاصله‌ی زمانی و دو راوی و لحن و پس‌زمینه‌ی متفاوت، با جهان عینی وی در هم آمیخته و حاصلی فراتر از تجربه‌ی شخصی نویسنده را پدید می‌آورد. این تأملی گسترده در نفس است.

در ترجمه کوشیده‌ام تا حدی فراتر از معمول، به نثر و نحو نویسنده وفادار بمانم و تک ضربه‌ها، جمله‌های طولانی بدون حرف ربط، نقل قول‌های فراوان و از همه دشوارتر و نادیده گرفته‌شده‌تر، پارادوکس چیرگی زبان بر موضوع و در عین حال ناتوانی زبان در انتقال تمام و کمال شبکه‌ی بی‌نهایت واقعیت موضوع را، با سبکی متناظر با اصل به فارسی برگردانم. اگر موفق شده باشم، مدیون توان استر در بازسازی کلامی جهان حیرت‌انگیزش و زحمات دیگر مترجمان آثار او هستم و اگر هم نه، دست کم برای پیمودن مسیری متفاوت (از نظر خودم) تلاش کرده‌ام.

همه‌ی این‌ها به کنار، زندگی با این متن برای من سرشار از لذت بود، امیدوارم شمای خواننده هم، تا هر حد و به هر شکل از خواندنش لذت ببری.

بابک تبرایی

زمستان ۱۳۸۵